

اصول و الزامات حقوقی حاکم بر فناوری‌های حقوقی دادرسی قضایی

علی بهادری جهرمی*، محمدرضا علی‌پور**

چکیده

رفتارهای اجتماعی به‌عنوان موضوع علم حقوق از مهم‌ترین موضوعاتی است که با ظهور فناوری‌های جدید تحت تأثیر قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، فناوری‌های حقوقی سعی نموده‌اند دسترسی عمومی به عدالت را افزایش دهند. این فناوری‌ها بر سه دسته اعمال دادرسی قضایی دولت، خدمات حقوقی - قضایی خصوصی و اقدامات تنظیم‌گر دولت اثر می‌گذارند. توسعه فناوری‌های حقوقی مانند هر پدیده حقوقی دیگر نیازمند برنامه‌ریزی در مسیر و منطبق با مبانی نظام حقوقی است. عدم توجه به تناسب فناوری‌های حقوقی به‌کار گرفته شده در دادرسی قضایی با نظامات حقوقی حاکم بر آن، باعث می‌شود که فناوری‌های حقوقی وارداتی این حوزه نیز دچار تجربه‌ای مشابه فناوری‌هایی شوند که نه تنها موجب تسهیل و تقویت کیفیت اعمال سابق نگردیده، بلکه مشکلات بدتر و غیرقابل جبرانی را نیز به همراه داشته‌اند. در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی سعی گردیده است با بررسی اصول دادرسی عادلانه، به الزامات نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر فناوری‌های حقوقی دادرسی قضایی دست یابیم.

واژگان کلیدی: فناوری حقوقی، دادرسی عادلانه، دسترسی به عدالت، دادرسی فناورانه

* استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

a.bahadori.j@gmail.com

** کارشناس ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

fanoososerat@gmail.com

مقدمه

رشد فناوری‌های جدید، تحولات سریع را به ارمغان آورده است و به دنبال آن چالش بزرگ برای عمده جوامع آن است که چگونه مدرنیته نوین را جذب نموده و با آن هم‌ساز شوند و در همان حال نیز هنوز بتوان جنبه‌های پرورشی سامانه‌های ارزشی سنتی را پذیرفت (شوآب، ۱۳۹۶: ۱۵۷). علم حقوق که برای تنظیم و تمشیت روابط جمعی به جعل و تأسیس احکام وضعی و دنیوی می‌پردازد (عالی‌پناه و فضل‌ی، ۱۳۹۱: ۱۹) نیز به عنوان یکی از اجزای مفهوم جامعه (عالی‌پناه و فضل‌ی، ۱۳۹۱: ۱۷) علی‌رغم اینکه از فناوری‌های نوین تأثیر می‌پذیرد، از این فناوری‌ها جهت تسهیل تنظیم روابط جمعی نیز بهره می‌برد. به‌کارگیری این فناوری‌ها موجب پیدایش مفهومی تحت عنوان فناوری حقوقی^۱ گردیده است. این فناوری‌ها با هدف تسهیل دسترسی به عدالت، در جهان بر سه دسته اعمال دادرسی قضایی دولت، خدمات حقوقی - قضایی خصوصی و اقدامات تنظیم‌گر دولت اثر می‌گذارند.

به‌رغم اهمیت دادرسی قضایی در هر نظام حقوقی، در کشور ما اقدامات دولت جهت بهره‌گیری فناوری در دسته اول به دلایل متعدد نه تنها موفق در تسهیل‌گری نبوده بلکه در برخی موارد موجب دشواری بیشتر نیز گردیده است، چراکه عدم رعایت کوچک‌ترین الزامات حقوقی در طراحی این فناوری‌ها موجب تضییع حقوق افراد و در نتیجه عامه مردم خواهد شد. البته در سال‌های اخیر و با اتخاذ رویکردهای تحول‌خواهانه در قوه قضائیه به ویژه در سال‌های اخیر و با شیوع ویروس کرونا، اقدامات مثبتی صورت پذیرفته که در ادامه به نقش آن‌ها در تحقق دادرسی عادلانه پرداخته خواهد شد. نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به اهداف و مبانی خود الزاماتی را برای نهادها و پدیده‌های حقوقی در نظر دارد که فناوری حقوقی نیز می‌بایست متناسب با این الزامات به‌کار گرفته شوند که به نظر می‌رسد عموماً در طراحی و به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در کشور به این الزامات توجهی نمی‌شود.

این مقاله در تلاش است تا با استخراج الزامات حقوقی حاکم بر به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در دادرسی قضایی، معیارهایی جهت ارزیابی فناوری‌های حقوقی به‌کارگرفته شده در دادرسی قضایی ارائه دهد تا ضمن جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص در استفاده از فناوری‌های حقوقی، هدف اصلی به‌کارگیری این فناوری‌ها یعنی تسهیل دسترسی به عدالت را نیز بیش از پیش در چهارچوب مبانی و اصول نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با رعایت حقوق اشخاص محقق سازد. نگارندگان در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی، در تلاش برای پاسخ به این پرسش هستند

که طراحان فناوری‌های حقوقی در ایران، چه الزامات حقوقی را می‌بایست در طراحی ابزارهای مبتنی بر فناوری حقوقی خود به کار گیرند تا ضمن تسهیل امور و تحقق دسترسی آسان به عدالت، حقی از اشخاص تضییع نگردد؟ ضمن پاسخ به این پرسش می‌توان دریافت که توسعه فناوری‌های حقوقی در دادرسی قضایی ایران تا چه حد ممکن است؟ آیا به‌کارگیری این فناوری‌ها بدون اصلاح قوانین مربوطه امکان‌پذیر است؟ آیا فناوری‌های حقوقی مشکلات قوه قضاییه از جمله حجم پرونده‌ها و اطاله دادرسی را مرتفع می‌نمایند؟

در این مقاله سعی گردیده است ضمن آشنایی با چستی فناوری حقوقی و انواع آن، با بررسی اصول دادرسی عادلانه که در طراحی و به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی اهمیت ویژه‌ای دارند، الزامات نظام حقوقی بر فناوری‌های حقوقی دادرسی قضایی شناسایی گردیده و در نهایت ضمن پاسخ به سؤالات فوق، پیشنهاداتی در خصوص چگونگی تهیه مقدمات جهت به‌کارگیری این فناوری‌ها ارائه گردد.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که تاکنون در کشور ما در این خصوص صورت گرفته، عمدتاً با محوریت دادرسی الکترونیک مورد توجه بوده است. با بررسی این تحقیقات، آن دسته از تحقیقاتی که به بررسی تأثیر مبانی نظری حقوقی بر دادرسی الکترونیک پرداخته‌اند را می‌توان پیشینه‌های مرتبط با موضوع این مقاله دانست.

مقاله «چالش‌های حقوق شهروندی در دادرسی الکترونیک با نگاهی به جایگاه آن در فقه شیعه» عصمت رستگار، مقاله «چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران» اکبر اسمعیلی و بابک پورقهرمانی، مقاله «بررسی فقهی تشکیل جلسه دادرسی به شیوه الکترونیکی» بهنام سرخوش منجق‌تپه و هما داودی گرمارودی، مقاله «دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی» بهنام حبیبی، پایان‌نامه «دادرسی الکترونیکی و تأثیر آن بر دادرسی منصفانه در عدالت کیفری ایران» نرجس روستا و پایان‌نامه «بایسته‌های چالش‌های دادرسی کیفری الکترونیکی در پرتو لایحه جدید آئین دادرسی کیفری» فرزانه حسن‌پور تاکنون نگارش گردیده‌اند که در ادامه به بررسی سه مورد از آخرین این موارد را مختصر مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در مقاله اول، هدف نویسنده بررسی حقوق شهروندی در فضای مجازی و دادرسی الکترونیکی جهت دستیابی به راه‌حلی برای برطرف کردن چالش‌های پیش‌روی این نوع دادرسی با حفظ حقوق شهروندی بوده است. لکن در ادامه ضمن بررسی چستی دادرسی الکترونیک و چستی حقوق شهروندی به بیان مواردی از حقوق شهروندان در فضای مجازی و برخی حقوق ایشان در دادرسی الکترونیک اشاره کرده و در نهایت نیز تنها به دو نتیجه دست یافته است که اولاً نظام دادرسی

الکترونیکی توان برچیدن کامل نظام دادرسی سنتی را ندارد و ثانیاً دادرسی الکترونیکی در تلاش برای تسریع در رسیدگی و کاهش اطاله دادرسی است (رستگار، ۱۳۹۹: ۷۰) و متأسفانه به پرسش اصلی مقاله پاسخ نداده‌اند.

در مقاله دوم نویسندگان هدف خود را بررسی چالش‌های حقوقی و اجرایی فراروی دادرسی الکترونیکی در ایران و فرضیه تقابل آن با استانداردهای دادرسی منصفانه، عدم آگاهی کاربران نسبت به الکترونیکی شدن دادرسی، فقدان امنیت سایبری و فقدان ضمانت اجرای دادرسی الکترونیک معرفی می‌نمایند. در مقاله به بررسی تقابل برخی اصول و معیارهای حقوقی با دادرسی الکترونیکی می‌پردازند و استفاده از دادرسی الکترونیکی را در تعارض با این معیارها معرفی می‌نمایند. نتیجه بررسی‌های این مقاله آن است که به جز در مواردی نظیر رسیدگی به جرایم کم‌اهمیت، باید به انجام برخی تشریفات دادرسی با استفاده از روش‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بسنده کرد چراکه مجموع نظام دادرسی الکترونیکی قادر به برچیدن کامل نظام دادرسی سنتی نمی‌باشد، بلکه می‌تواند به موازات این نظام حرکت کرده و کارایی آن را بهبود ببخشد (اسمعیلی و پورقهرمانی، ۱۳۹۸: ۵۵). نویسندگان محترم استفاده از دادرسی الکترونیک را چون ماهیتاً در تعارض و تقابل با برخی اصول حاکم بر دادرسی می‌دانند، فلذا راه برون‌رفتی از این تعارض پیشنهاد ننموده‌اند.

در مقاله سوم نویسندگان مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال مهم هستند که آیا تشکیل جلسات دادرسی الکترونیکی از منظر فقهی معتبر است یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، این اعتبار از کدام ادله فقهی و چگونه تحصیل می‌شود؟ و در نهایت اینکه آیا می‌توان آن را همچون جلسه دادرسی سنتی دانست؟ ایشان در ادامه ضمن بررسی اصول و قواعد فقهی حاکم بر دادرسی قضایی، به امکان‌سنجی رعایت این اصول و قواعد در دادرسی الکترونیکی پرداخته‌اند. در نهایت به این نتیجه دست یافته‌اند که به سبب تفاوت‌های جدی دادرسی الکترونیکی با دادرسی سنتی و خطیر بودن امر قضاوت، دادرسی الکترونیکی هم‌تراز دادرسی حضوری نیست، چون ماهیتاً در انعکاس شرایط کیفی، به نسبت جلسه دادرسی الکترونیکی ضعف جدی دارد. فلذا به اعتقاد ایشان به‌رغم تمایل به به‌کارگیری تجهیزات الکترونیکی در کلیه فرآیندهای دادرسی، به‌کارگیری آن در جلسه دادگاه مستلزم احتیاط است (سرخوش منجق‌تپه و داودی گرمارودی، ۱۳۹۸: ۷۷). البته اصول حاکم بر این احتیاط را علی‌رغم بررسی در طول مقاله در انتها جمع‌بندی و ارائه ننموده‌اند و شرایط ممکن جهت بهره گرفتن از دادرسی الکترونیک را طرح ننموده‌اند.

علی‌رغم تمرکز محققان پیش‌گفته بر جلسات دادرسی و بررسی موردی برخی ابزارهای الکترونیکی در مراحل پیش از جلسات دادرسی، توجه نگارندگان در این مقاله نه تنها دادرسی

الکترونیک که بهره‌گیری از فناوری در تمامی مراحل دادرسی قضایی و الزاماتی که می‌بایست در به‌کارگیری آن‌ها رعایت شوند، است. در نهایت نیز نگارندگان به دنبال ارائه پیشنهاداتی جهت تسهیل به‌کارگیری صحیح این فناوری‌های حقوقی در دادرسی قضایی هستند.

۲. فناوری حقوقی

فناوری حقوقی اصطلاحی است که به‌طور گسترده به فناوری‌ها و نرم‌افزارهای نوآورانه برای ساده‌سازی و ارتقای خدمات حقوقی اطلاق می‌گردد (Corrales, 2019: 1). شرکت‌های فعال در این حوزه در جهان عمدتاً کسب‌وکارهای نوپایی هستند که با هدف تغییر جدی بازار سنتی ارائه خدمات حقوقی تشکیل شده‌اند. در ایران با شکل‌گیری و رشد کسب‌وکارهای نوپا، محصولات فناوری حقوقی نیز وارد بازار شدند.

فناوری‌های حقوقی را به‌لحاظ کارکرد می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی نمود: ۱. فناوری‌هایی که دسترسی و پردازش داده‌ها را تسهیل می‌نمایند. ۲. راه‌حل‌ها و مسیرهای حقوقی را پشتیبانی می‌کنند. ۳. راه‌حل‌های قانونی ارائه می‌دهند (Corrales, 2019: 2).

دسته اول که شایع‌ترین دسته مورد استفاده در جهان می‌باشد، به نوعی فناوری‌های توانمندساز، مانند ابزارهای فضاهای ابری و راه‌حل‌های امنیت سایبر و یا جمع‌آوری داده هستند که دسترسی به وکلا و داده‌های حقوقی و یا داده‌های مورد نیاز برای تحلیل حقوقی را برای افراد و سازمان‌ها تسهیل می‌نمایند. این دسته تلاش می‌کند تا از رقابت بازار حقوقی و تحقیقات حقوقی در بخش خصوصی حمایت کند (Bues, 2017: 90) و در بخش دولتی نیز نقش رصد را ایفا نماید.

دسته دوم شامل ابزارهای مدیریت و پشتیبانی فرآیندهای حقوقی موجود در دفاتر، مؤسسات حقوقی و سازمان‌های دولتی قضایی است که به عنوان ابزار مورد استفاده وکلا، حقوق‌دانان، قضات و کارمندان دادگستری جهت افزایش بهره‌وری و کیفیت عملکرد ایشان تولید و توسعه می‌یابند. فرآیندهای مدیریت منابع انسانی و روابط با دیگران از جمله طرفین دعوا، وکلا و... با ویژگی‌های مختص به فرآیندهای حقوقی-قضایی و یا مؤسسات و دفاتر حقوقی در این گونه نرم‌افزارها به‌کارگیری شده‌اند تا بتوانند عملکردهای شکلی و اداری مربوط به فرآیندهای سازمان‌های قضایی دولتی و یا حسابداری، صورت‌حساب‌ها، حقوق و دستمزد و سایر وظایف اداری دفاتر و مؤسسات خصوصی را به انجام رسانند. البته مهم‌ترین و شایع‌ترین نرم‌افزارهای این حوزه اتوماسیون دادرسی قضایی در بخش دولتی و مدیریت پرونده‌های حقوقی در بخش خصوصی است که نوعی نرم‌افزار مدیریت پروژه تخصصی برای پیشبرد فرآیند پرونده‌ها هستند (Bues, 2017: 90).

دسته سوم فناوری‌هایی هستند که در نقش دستیار یا حتی جایگزین وکلا، حقوق‌دانان و یا ناظران

قضایی، به عنوان یک متخصص، به انجام وظایف مشخص قانونی می‌پردازند. این دسته مجموعه بزرگ‌تر و متفاوت‌تری را شامل می‌شود مانند ربات‌های تطبیق عملکرد با قوانین، قراردادهای خودکار، جستجوی منابع و اسناد و استنادات الکترونیکی، حل و فصل آنلاین اختلافات، تجزیه و تحلیل حقوقی و فناوری‌های مبتنی بر بلاکچین به ویژه قراردادهای هوشمند و هوش مصنوعی (Bues, 2017: 90).

فارغ از این دسته‌بندی، دسته‌بندی دیگری که ناظر به حوزه عملکرد فناوری‌های حقوقی است نیز مورد استفاده قرار گرفته است. البته برخی از دسته‌های این دسته‌بندی ناشی از عدم آشنایی صحیح با ابعاد مختلف علم حقوق مانند حقوق عمومی و عدم اطلاع از رابطه تنظیم‌گری^۱ با علم حقوق، در ایران، به اشتباه خارج از فناوری‌های حقوقی در میان فناوری‌های مالی و... ترجمه و معرفی شده‌اند. در دسته‌بندی با مقسم حوزه عملکرد، می‌توان به به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در سه دسته^۱. اعمال دادرسی قضایی دولتی، ۲. خدمات حقوقی - قضایی خصوصی و ۳. ابزارهای تنظیم‌گری دولتی اشاره نمود.

تغییر، انطباق و بهبود دادگستری‌ها، دادگاه‌ها و فرآیندها با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، در مفهوم اصلاحات قضایی مورد بررسی قرار می‌گیرند (Reiling, 2009: 15). این اصلاحات قضایی در اعمال دادرسی قضایی دولتی با هدف تحول در آیین دادرسی و تسهیل رسیدگی به پرونده‌های قضایی و دقت در دستیابی و تحقق عدالت بیشتر است. سامانه‌های عدل‌ایران، سمپ و سخا در قوه قضائیه و سامانه ساجد در دیوان عدالت اداری از نمونه‌های این سامانه‌های الکترونیکی جهت تسهیل دسترسی به عدالت و درگاه انجام وظایف قوه قضائیه در ارتباط با شهروندان در ایران است.

مؤسسات، وکلا و فارغ‌التحصیلان حقوقی نیز در بازار ارائه خدمات حقوقی، مانند سایر بازارهای کسب‌وکاری، مستمراً در تلاش و رقابت برای دستیابی به مشتری بیشتر و توسعه فعالیت خود هستند که همین امر موجب می‌گردد تا فناوری‌های نوین در ارائه خدمات، ابتدا در این حوزه به‌کار گرفته شوند. خدمات حقوقی - قضایی خصوصی تقریباً بزرگترین دسته فناوری‌های حقوقی را به خود اختصاص می‌دهد چراکه استفاده از این فناوری‌ها ضمن تسهیل فعالیت وکلا، موجب افزایش پرونده‌ها و درآمد ایشان نیز گردیده‌است و عمدتاً به عنوان یک کسب و کار مورد استفاده قرار می‌گیرند. علی‌رغم اینکه بیش‌ترین اقدامات صورت گرفته در ایران، از این دسته بوده‌است، لکن به‌لحاظ تنوع فقط چند حوزه معدود از جمله پلتفرم‌های^۲ معرفی وکیل را پوشش داده‌اند که به نظر

1. Regulation

۲. از آن با عنوان سکو به فارسی یاد می‌شود. سکو یا پلتفرم، واسطی است که ارتباط میان دو یا چند گروه مختلف از

س

می‌رسد عمده آن به دلیل موفقیت پلتفرم‌های تاکسی‌های اینترنتی مانند اسنپ و تپسی بوده است که افراد را ترغیب به تکرار این مدل از پلتفرم می‌کند. البته برخی کسب‌وکارهای حقوقی در حوزه‌های دیگری نیز در زمینه‌های تولید و ارائه قرارداد‌های حقوقی و یا شکایات جمعی شکل گرفته‌اند که بعضاً در مراحل شکل‌گیری و یا پیش از رشد قرار دارند.

فناوری‌های تنظیم‌گر^۱ یکی از شاخه‌های فناوری‌های حقوقی است که ابزارهای تنظیم‌گری دولت را متحول می‌سازند و کمتر کسی متوجه آن است. فناوری‌های تنظیم‌گر به عنوان جزئی از فناوری‌های حقوقی (Pasquale, 2019: 1938) به تسهیل در امر تنظیم‌گری می‌پردازند. به راه‌حل‌های فناورانه‌ای که فرایندهای تنظیم‌گری^۲ را ساده‌سازی کرده و ارتقا می‌دهند فناوری‌های تنظیم‌گر گفته می‌شود (باربریس و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۰). این فناوری‌ها سعی می‌کنند با جمع‌آوری و بررسی داده‌های عملکردهای، تهیه گزارش عملکرد از داده‌ها و تطابق آن با قوانین و قواعد تنظیم‌شده به تسهیل اعمال قوانین و قواعد و نظارت بر یک نظام بپردازند. این فناوری در بخش‌های خصوصی و جهت تنظیم‌گری مالی صنایع و کسب و کارها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند^۳. به همین جهت عمدتاً آن را یک فناوری مالی به حساب می‌آورند چراکه هنوز دولت برای تنظیم‌گری خود از این فناوری‌ها کمتر استفاده نموده است. سامانه‌های KYC^۴، عمده سامانه‌های مبارزه با پولشویی، سامانه‌های تطبیق عملکرد با قوانین، سامانه‌های احراز هویت بیومتریک بر اساس داده‌های ثبت احوال و ربات‌های شناسایی تخلفات و فیلترینگ وب نمونه‌هایی از این دسته فناوری‌های حقوقی به شمار می‌روند. مهم‌ترین پرسش در ظهور فناوری‌های تنظیم‌گر آن است که «چگونه فناوری‌های نوآورانه می‌توانند به کارگیری شوند تا اطمینان حاصل شود که مسئولیت‌پذیری قانونی به صورت فناورانه مستقر شده است؟» (Chishti, 2020: 232).

این روند در دیگر کشورهای جهان نیز در حال رشد است. البته رشد فناوری‌های حقوقی به سطح رشد فناوری‌های موجود در آن کشور وابسته است. برای مثال هوش مصنوعی با سرعت بسیار زیادی در چین در حال توسعه است. بنابر گزارش اخیر آی‌مدیا ریسرچ^۵، در سال ۲۰۱۸، حجم سرمایه‌گذاری در بخش هوش مصنوعی در چین به ۱۳۱/۱ میلیارد RMB رسید (نزدیک به ۲۰

کاربران را جهت انتقال خدمت یا ارزشی به یکدیگر برقرار می‌نماید.

1. Regulatory technology (RegTech)
2. Regulatory
3. Frankenfield, Jake (10/27/2016): What You Should Know About RegTech. In Investopedia, 10/27/2016. Available online at: <https://www.investopedia.com/terms/r/regtech.asp>, checked on 9/8/2020.884Z.
4. Know Your Customer
5. iiMedia Research

میلیارد دلار آمریکا) و نرخ رشد آن در مقایسه با سال ۲۰۱۷، ۱۰۷ درصد بود (Chishti, 2020: 208). البته این رشد و توسعه نیز به نحوی متکی بر حقوق فناوری است که تا چه حد مانع یا بالعکس موجب رشد فناوری گردد که البته به‌کارگیری فناوری در حوزه‌های حقوقی که تأثیر بسزایی بر حقوق و آزادی‌های اشخاص دارد، اهمیت و حساسیت در این موضوع را نیز افزایش می‌دهد. کشورهای چین، آمریکا، انگلستان و مالزی را می‌توان کشورهای فعال در این حوزه یافت. با بررسی داده‌های درخواست‌های شغلی برای موقعیت‌های شغلی فناوری حقوقی در آمریکا و انگلستان و پوشش ۸ درصدی این درخواست‌ها در هشت ماهه نخست سال ۲۰۱۹ در آمریکا (Chishti, 2020: 212)، می‌توان دریافت که این حوزه همچنان در این کشورها در حال رشد و توسعه است.

بنابر گزارش‌های فوربس، سرمایه‌گذاری در فناوری حقوقی در سال ۲۰۱۸ به میزان ۷۱۳ درصد افزایش یافت.^۱ از طرفی بانک بارکلیز انگلستان در سال ۲۰۱۹ یک صندوق سرمایه‌گذاری مختص فناوری حقوقی تحت عنوان ایگل لب (Eagle Lab) در لندن ایجاد کرد.^۲ همچنین موجی از رویدادها و ابتکار عمل‌های متمرکز بر فناوری حقوقی شکل گرفته است که اهداف خاصی را دنبال می‌کند؛ از جمله هکاتون‌ها، فعالیت‌های حقوقی^۳ و کنفرانس‌های فناوری حقوقی. انتشار کتاب The Legaltech Book توسط انتشارات فعال wiley در آمریکا با استفاده از رویکرد جمع‌سپاری و با بیش از ۷۰ یادداشت تحلیلی در حوزه فناوری حقوقی توسط فعالان این حوزه از سراسر جهان نیز به خوبی نشان داد که این موضوع در کشورهای مختلف مطرح گردیده و شاهد رشد آن در سال‌های آینده خواهیم بود.

در سال‌های اخیر و با رشد حوزه‌های فناوری در کشور، شاهد رشد چشمگیر به‌کارگیری این فناوری‌ها در عرصه حقوقی نیز بوده‌ایم. دغدغه قوه قضائیه برای به‌کارگیری این فناوری‌ها در افزایش دسترسی به عدالت و همچنین افزایش کیفیت فعالیت‌های دادرسی قضایی در کشور موجب گردید تا دیدار با شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالان زیست‌بوم فناوری با موضوع نقش ایشان در حل مسائل قوه قضائیه در اولین ماه‌های فعالیت ریاست جدید قوه قضائیه با شخص ایشان برگزار گردد و پس از آن نیز با تلاش قوه قضائیه و همکاری معاونت علمی ریاست جمهوری پردیس نوآوری‌های حقوقی و قضایی برای حمایت از کسب‌وکارهای نوپای فعال در زیست‌بوم فناوری‌های حقوقی راه‌اندازی گردید.

1. <https://www.forbes.com/sites/valentinpivovarov/2019/01/15/legaltechinvestment2018/#4a2d45c7c2ba>.

2. <https://www.thomsonreuters.com/en/press-releases/2019/february/ai-powered-legal-technology-startup-selected-to-join-thomson-reuterslabs-incubator-programme.html>.

3. <https://legalthackers.org/>

از طرفی راه‌اندازی مرکز نوآوری پژوهشگاه قوه قضائیه با هدف حمایت و توسعه فکری این حوزه اقدام مثبت دیگری در زیست‌بوم فناوری حقوقی تلقی می‌گردد. مرکز وکلای قوه قضائیه نیز در سال‌های اخیر سعی نموده است با به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی مختلفی از جمله در حوزه‌های دستیاری وکلا در انجام وظایف قانونی، تسهیل فعالیت‌های ایشان در ارتباط با این مرکز، افزایش و ارتقای سطح کیفی وکلا و همچنین افزایش نقش وکلا در ارتقای حقوق عامه به راه‌اندازی، حمایت و یا همکاری با فناوری‌هایی در درون این مرکز و یا خارج آن پردازد که از این موارد می‌توان به سامانه‌های قانون‌بان، عدالتخانه، مردم‌نما، بازی دادفر، سامانه‌های وکلا، کارشناسان و کارآموزان و... اشاره نمود.

در حوزه دادرسی قضایی نیز شاهد به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در زمینه‌های مختلفی بوده‌ایم. از مراحل ابتدایی احراز هویت که راه‌اندازی احراز هویت الکترونیک مبتنی بر روش‌های بیومتریک در ماه‌های انتهایی سال ۱۳۹۹ موجب تسهیل دسترسی عمومی به خدمات دادرسی قضایی و حذف مراجعه حضوری به دفاتر خدمات الکترونیک برای دریافت شناسه ثنا گردید. راه‌اندازی سامانه خودکاربری وکلا و امکان دریافت وکالت الکترونیک را می‌توان یکی از نقاط عطف تحولات اخیر قوه قضائیه دانست. بکارگیری پابند الکترونیک و ابلاغ الکترونیک در سال‌های گذشته و رشد آن با رونمایی از اپلیکیشن عدالت همراه و بسیاری تحولات دیگر، که از حوصله این نگاشته خارج است، نیز از تحولات جدی دادرسی قضایی است که در ادامه نقش این تحولات در تحقق بیشتر دادرسی عادلانه را بررسی خواهیم کرد.

از طرف دیگر با بررسی بیش از پیش سند تحول قضایی که سال ۱۳۹۹ منتشر گردید می‌توان توجه ویژه قوه قضائیه به استفاده از فناوری‌های حقوقی برای تحول در انجام وظایف قانونی در تمامی حوزه‌ها چه در فرآیندهای دادرسی قضایی و چه در حوزه‌های حمایت از حقوق عامه را به وضوح مشاهده نمود.

رشد این حوزه در بخش خصوصی که گاه مستقلاً به انجام فعالیت پرداخته و گاه به همکاری با دولت می‌پردازند نیز قابل توجه است. به تازگی نیز هلدینگ فناپ وابسته به بانک پاسارگاد بخش فناوری حقوقی را در پروژه بزرگ سرزمین هوشمند پادا راه‌اندازی نموده است. صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر توسعه کارآفرینی بهمن نیز از جمله صندوق‌های علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این حوزه بوده که البته تاکنون شاهد فعالیت قابل توجهی از سمت ایشان نبوده‌ایم.

به هر حال، فناوری‌های حقوقی در هر نظام حقوقی به دنبال تحقق اهداف خاصی هستند. در

برخی از کشورها، اهدافی از جمله دستیابی به عدالت برای به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی اهدافی والاتر از درآمدزایی است. نسبت این اهداف با اهداف و اصول آن نظام حقوقی گاه موجب تسریع رشد آن فناوری می‌گردد و گاه نه تنها موجب رشد نمی‌گردد که مشکلات جبران‌ناپذیری نیز به همراه خواهند داشت. اثر فناوری‌های حقوقی بر نظام حقوقی و ایجاد رویه‌های حقوقی امری غیرقابل انکار است که اگر به درستی مدیریت نگردد، مشکلات بسیاری را برای مردم و نظام حقوقی به دنبال خواهد داشت. فلذا رعایت اصولی که بیش‌ترین تناسب را میان اهداف به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی و نظام حقوقی ایجاد کند، باعث تحقق دو هدف مهم رشد و توسعه سریع آن فناوری و تقویت نظام حقوقی در دستیابی به اهداف مد نظرش می‌شود. عدم رعایت این اصول نیز باعث می‌گردد که اولاً فناوری بکارگیری شده با شکست مواجه شده و ثانیاً نظام حقوقی با مشکلاتی برخورد کند و گاه با بن‌بست و از هم‌گسستگی روبه‌رو گردد. در ادامه با بررسی اصول دادرسی عادلانه، به استخراج الزامات حاکم بر فناوری‌های حقوقی دادرسی عادلانه پرداخته خواهد شد.

۳. الزامات حاکم بر اعمال دادرسی قضایی دولت

بند ۱ اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضائیه را مسئول «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه، که قانون معین می‌کند» می‌داند. دادرسی قضایی در جمهوری اسلامی ایران برعهده قوه قضائیه است و براساس اصل ۶۱ «اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.»

مراجع دیگری که آن‌ها را مراجع شبه‌قضایی می‌نامند نیز به اعمال دادرسی شبه‌قضایی می‌پردازند. مراجع شبه‌قضایی مراجعی هستند که خارج از صلاحیت عام دادگستری، در موضوع‌های ویژه، صلاحیت پیگیری، رسیدگی و صدور حکم را دارا هستند (امامی و موسوی، ۱۳۸۳: ۹۵). این مراجع شبه‌قضایی در قوای مجریه و مقننه وجود دارند که به امر دادرسی کیفی و یا حقوقی رسیدگی می‌نمایند و مجموعاً بیش از ۴۰ مرجع را شامل می‌شوند. رعایت اصول تخصص، خدمات همگانی و حاکمیت ویژه، اهتمام به عملکرد نظارتی قوه مجریه، انتظام امور جهت جلوگیری از کاهش توان قوه قضائیه در دادرسی و رسیدگی به وظایف اصلی، از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این مراجع است (امامی و موسوی، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۱۰۰).

مراجع قضایی و شبه‌قضایی فوق در رسیدگی به موضوعات مورد نظر و دادرسی می‌بایست مطابق اصولی که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر اعمال ایشان حاکم نموده است اقدام نمایند. با

بررسی منابع نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران از موازین اسلامی، قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات دولتی می‌توان به اصول زیر که آن را اصول دادرسی عادلانه می‌نامند دست یافت که رعایت آن‌ها در دادرسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران الزامی است. فلذا به‌کارگیری فناوری حقوقی در اعمال دادرسی قضایی باید اولاً اصول زیر را رعایت نماید و ثانیاً در تقویت و تحقق اهداف مد نظر آن‌ها تلاش نماید. اگرچه در نگاه اول این گونه به نظر می‌آید که به‌کارگیری این فناوری‌ها از جنس تغییر شیوه عملکرد است. برای مثال تصور برخی این است که دادرسی الکترونیک صرفاً تغییر شکلی شیوه برگزاری جلسه دادرسی به الکترونیکی است اما نگاه دقیق‌تر به مسئله، ما را با مجموعه‌ای از سؤال‌ها در ماهیت آن مواجه می‌سازد (سرخوش منجق‌تپه و داودی گرمارودی، ۱۳۹۸: ۵۶) که در نتیجه ما را بیش از پیش به بررسی الزامات دادرسی قضایی بر این فناوری حقوقی ملزم می‌دارد.

۳-۱. تضمینات عمومی

اصول حاکم بر عموم رسیدگی‌ها و دادرسی دعاوی و پرونده‌های قضایی که رعایت آن‌ها در فناوری‌های حقوقی از الزامات نظام حقوقی در اعمال دادرسی جهت تحقق دادرسی عادلانه است عبارتند از:

۳-۱-۱. حق دادخواهی

مبنای وجود چنین حقی، اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌کند (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) و دولت نیز متعهد است کلیه امکانات و تسهیلات لازم را فراهم کند تا امکان دادخواهی و تظلم‌خواهی برای همه وجود داشته باشد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۲۴). مستند این حق در نظام حقوقی ایران اصل ۳۴ قانون اساسی و موازین اسلامی در این خصوص است.

مستفاد از این حق قانونی برای فناوری‌های حقوقی، اولاً دسترسی بدون محدودیت مکانی و زمانی به سامانه‌ها و ابزارهایی است که برای دادرسی قضایی در نظر گرفته شده‌است. این سامانه‌ها نباید به گونه‌ای طراحی و ارائه گردند که افراد در استفاده از حق دادخواهی خود دچار مشکل گردند. برای مثال امکان استفاده از سامانه‌های عدل‌ایران قوه قضائیه و ساجد دیوان عدالت اداری توسط افراد خارج از کشور تا سال گذشته فراهم نبود و دسترسی به این سامانه‌ها، از طریق IP‌های خارج از کشور امکان‌پذیر نبود. این بدین معناست که اشخاص خارج از کشور از حق قانونی خود در بهره‌گیری از بخش مهمی از دادرسی قضایی که شامل طرح شکایت و رصد فرآیند رسیدگی می‌شود، محروم بودند. دیوان عدالت اداری در چند ماه اخیر و با هدف رفع این محدودیت، امکان دسترسی به سامانه ساجد را از طریق IP‌های خارج از کشور فراهم نموده‌است و قوه قضائیه نیز با راه‌اندازی سامانه اختصاصی ایرانیان خارج

از کشور به آدرس kharej.adliran.ir امکان بهره‌مندی از این سامانه‌ها را برای ایشان فراهم نمود. با راه‌اندازی امکان احراز هویت الکترونیکی مبتنی بر روش‌های بیومتریک توسط قوه قضائیه نیز مشکل دریافت شناسه ثنا برای ایرانیان خارج از کشور نیز برطرف شد چراکه پیش از آن حتی اگر دسترسی به این سامانه از خارج کشور نیز فراهم می‌گردید، ورود به حساب کاربری آن نیازمند دریافت کد تأیید از طریق سیم‌کارتی در داخل کشور متعلق به شخص بود که موقعیت مکانی شخص در خارج از کشور مانع دریافت این کد تأیید و در نتیجه دسترسی به حساب کاربری وی می‌شد. همین امر موجب شده بود تا در حال حاضر فعالیت‌های ایرانیان خارج از کشور به صورت حضوری و از طریق دفاتر نمایندگی سیاسی ایران از جمله سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و... انجام پذیرد.

در سال‌های اخیر قوه قضائیه در جهت تسهیل دسترسی به همین خدمات الکترونیکی، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی را در نقاط مختلف کشور راه‌اندازی نموده‌است، لکن به نظر می‌رسد ارائه خدمات اولیه که جزو تکالیف قانونی قوه قضائیه است مانند احراز هویت و ایجاد حساب کاربری در سامانه‌های قضایی، به‌ازای دریافت هزینه از اشخاص خلاف اصول دادرسی عادلانه به‌ویژه حق دادخواهی است. در ماه‌های گذشته نیز که سامانه برخط احراز هویت قوه قضائیه به‌عنوان راهکار جایگزین مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی راه‌اندازی گردیده است، همچنان این خدمت را با پرداخت هزینه ارائه می‌نماید. پیش از این خصوصی بودن دفاتر خدمات الکترونیک قضایی توجیهی (البته غیراصولی) برای دریافت هزینه جهت احراز هویت مطرح می‌گردید. البته رویکرد مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه که برای توسعه فناوری‌های حقوقی خود از خدمات بخش خصوصی بهره می‌برد تا موجب تسریع در رشد این حوزه گردد قابل توجه است لکن همین امر موجب شده تا اشخاص برای احراز هویت نیز مجبور به پرداخت هزینه به شرکت‌های خصوصی گردند که به نظر می‌رسد خلاف اصول دادرسی عادلانه و حق دادخواهی باشد.

نباید فراموش نمود که در جهت تحقق این اصل هیچ شخصی نباید به علت عدم دسترسی به فناوری‌های حقوقی ناشی از عدم دسترسی به امکاناتی از قبیل اینترنت، تلفن همراه، رایانه و... در استفاده از این حق خود محروم گردد و قوای قضائیه و مجریه موظف به ایجاد امکانات و زیرساخت‌های مورد نیاز این امر هستند. در ادامه به بررسی برخی اصول دادرسی عادلانه که ناظر به حق دادخواهی است می‌پردازیم.

۲-۱-۳. استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق استقلال، تدابیری از جمله استقلال شغلی قضات در اصل ۱۶۴ قانون اساسی را در نظر گرفته‌است و برای بی‌طرفی نیز در حد امکان شرایطی از جمله رد

دادرس را تعبیه نموده است. برخی معتقدند نحوه نصب دادرسان، غیرقابل عزل و انتقال بودن آن‌ها، و اعتبار آرای قضایی صادره از سوی آن نشانه استقلال قوه قضائیه است (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۹). از طرفی برخی معتقدند که کیفیت انتخاب مدیران ارجاع و متصدیان شعب کیفری و نحوه صدور دستورات آنان به عنوان بخشی از زنجیره قضایی، نقش ارزنده و راهبردی در تحقق و تضمین «عدالت شکلی و ماهوی» ایفا می‌کند (امیری و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۹-۴۸). پس طراحی فناوری حقوقی در فرآیند دادرسی باید به گونه‌ای باشد که اصول حاکم بر این استقلال و بی‌طرفی تا حد ممکن حفظ و رعایت گردیده و در مواردی که نیروی انسانی باید مجری آن باشد، اقدام او به صورت شفاف قابل ارزیابی باشد. شاید غیرقابل پیش‌بینی بودن دادرس پرونده، شفافیت در ادله و استنادات آرای قضایی مواردی هستند که در این دست از خدمات در بستر فناوری‌های حقوقی باید رعایت گردد. البته ظرفیت‌های فناوری‌های حقوقی نیز در این اصل مانند دیگر اصول دادرسی عادلانه می‌تواند موجب تقویت امکان تحقق آن شود. تشخیص امکان وجود ارتباط میان دادرس و طرفین از طریق تحلیل داده‌ها و شبکه‌های ارتباطی افراد می‌تواند موجب هوشمندسازی انتخاب دادرس و دقت فرآیندهای رد دادرس شود. شفافیت در آرا و ادله قضایی و امکان انتشار بدون افشای اسرار و حریم خصوصی افراد و مشارکت جمعی در بررسی آرا نیز موجب تقویت نظارت بر رفتار مراجع رسیدگی خواهد شد، فلذا به‌کارگیری صحیح این فناوری با رعایت معیارهای پیش‌گفته، موجب توسعه آن نیز می‌شود.

۳-۱-۳. برابری امکانات دفاع

طرفین در فرآیند دادرسی باید از حداقل‌های حقوقی برابر برخوردار باشند، مثل دسترسی یکسان به اسناد و مدارک پرونده و یا برخورداری از فرصت اعتراض برابر (بهادری جهرمی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۶). اصول ۱۹ و ۲۰ و همچنین بند ۹ اصل ۳ قانون اساسی نیز برابری همه مردم در برابر قانون و تساوی حقوق ایشان و عدم هرگونه تبعیض ناروا را تصریح نموده است.

مثال مذکور که پیش از این در تصویر ۱ بیان گردید، به جهت عدم ایجاد شرایط یکسان برای اشخاص خارج از کشور با اشخاص داخل کشور یکی از نمونه‌های ناقض این حق بود. فناوری‌های حقوقی باید به گونه‌ای طراحی گردند که سطح دسترسی به بخش‌های مختلف سامانه و داده‌ها و اطلاعات مرتبط با پرونده در حال رسیدگی به‌طور یکسان در دسترس طرفین قرار گیرد و هر دو فارغ از شرایط مکانی و زمانی و... جایگاه برابری نسبت به پرونده داشته باشند.

این اصل نیازمند توسعه زیرساخت‌های فنی در سطح کشور و تعبیه شرایط و امکانات جایگزین برای اشخاصی است که از دسترسی به بخشی از این خدمات محرومند. برای مثال دسترسی به بخش اعظم این خدمات نیازمند در اختیار داشتن سیم‌کارت و تلفن همراه و دسترسی به اینترنت است؛ حال

آنکه هنوز در بخش‌های زیادی از کشور دسترسی به این خدمات امکان‌پذیر نیست، فلذا همین امر موجب ایجاد تبعیض میان طرفین دعوایی می‌گردد که یکی به این امکانات دسترسی دارد و دیگری محروم از این دسترسی است. در این گونه موارد دولت در معنای عام آن موظف است طرق و یا خدمات جایگزینی را در اختیار اشخاص محروم از این خدمات قرار دهد تا شرایط برابر برقرار گردد. برای مثال در تعبیه این طرق یا خدمات جایگزین حتماً باید به هزینه‌ای که بر اشخاص تحمیل می‌شود نیز دقت نمود چراکه به نظر می‌رسد استفاده اشخاص محروم از این خدمات نباید مستلزم تحمیل هیچ هزینه‌ای بر آن‌ها باشد.

لکن به نظر می‌رسد برای رعایت حقوق محرومان از این خدمات توجهی وجود ندارد. چراکه حتی در ماده ۴ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که در اجرای مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری توسط رییس قوه قضائیه ابلاغ گردیده است، اقدامات موازی در فضای غیرالکترونیکی در مواردی که امکانات الکترونیکی فراهم شده، ممنوع است؛ که این موضوع موجب می‌گردد تا افرادی که به زیرساخت‌های الکترونیکی دسترسی ندارند با مشکلاتی مواجه گردیده و حقوق ایشان سلب گردد.

۴-۱-۳. اصل تقابل یا تناظر

امکان دفاع توسط هر یک از طرفین و همچنین اعتراض هر کدام به دفاع دیگری یکی دیگر از اصول مربوط به حق دادخواهی اشخاص است. این امر مستلزم دسترسی به موقع و بدون مشکل هر یک از طرفین به دفاع دیگری و وجود زمان کافی برای اعتراض به آن است (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۳۵). این‌که هیچ‌کس نباید بدون شنیدن اظهاراتش محکوم گردد، یکی از اصول عدالت طبیعی است که به عنوان نخستین اصل حقوق و اصل جهانی دادگستری توصیف شده است (مرادی، ۱۳۹۷: ۳۷). قوانین دادرسی کیفری و مدنی در کشور، سعی نموده‌اند در طراحی فرآیندهای دادرسی در رعایت این اصل توجه و دقت نمایند.

رعایت این اصل در طراحی فناوری‌های حقوقی و توجه به استفاده آسان آن امری ضروری است. برای مثال سامانه ساجد دیوان عدالت اداری با اینکه امکان رصد فرآیندهای رسیدگی را برای اشخاص فراهم می‌نماید، لکن در خصوص دسترسی به پرونده و ارسال لوایح یا نامه‌های درخواستی مانند درخواست اعمال ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی و تشکیلات دیوان عدالت اداری، تا چند ماه پیش هیچ امکانی را برای اشخاص فراهم ننموده و اشخاص می‌بایست از هر نقطه‌ای از کشور به صورت حضوری در دیوان عدالت اداری این نامه را به ثبت می‌رسانند. این در حالی است که توسعه خدمات دولت الکترونیک در مکاتبات اداری سبب شده تا نهادهای دولتی که طرف دیگر دعوی در دیوان

عدالت اداری هستند به راحتی و بدون نیاز به حضور در محل دیوان و از طریق سامانه‌های مکاتبات اداری فی‌مابین به مکاتبه بپردازند. در چند ماه گذشته که امکان ارسال نامه و لایحه از طریق این سامانه فراهم گردیده نیز، عدم اطلاع از وضعیت نامه و همچنین عدم قرارگیری به موقع در فرآیندهای مربوطه در سامانه داخلی دیوان موجب فوت زمان و مواعد رسیدگی می‌گردد و در موارد متعددی منجر به صدور آرای گردیده که به علت عدم دسترسی نامه یا لایحه مربوطه موجب تضییع حقوق اشخاص شده است.

همان گونه که در مثال فوق مشاهده نمودید، توسعه نامتوازن خدمات فناوری حقوقی موجب بروز مشکلاتی می‌شود که اصول دادرسی عادلانه، که در اینجا اصل تقابل و تناظر است را نقض و حقوق اشخاص در این فرآیندها تضییع می‌گردد.

قوای قضائیه و مجریه موظفند جهت رعایت این اصل، توسعه متوازن در اطراف دعاوی را اولویت قرار داده و در طراحی خدمات، علی‌رغم ایجاد فرصت در توسعه یک فناوری در طرفی، توسعه فناوری در طرف دیگر نیز می‌بایست انجام پذیرد و یا روش‌های جایگزین جهت تأمین این اصل فراهم گردد والا به کارگیری آن فناوری تا تحقق شرایط در طرف دوم خلاف اصول و تضییع‌کننده حقوق اشخاص است. در صورتی که طراحان فناوری‌های حقوقی، رعایت این اصل را در کنار اصل سابق در اولویت قرار دهند، توسعه فناوری‌های حقوقی که به تقویت این دو مورد کمک نماید، با رشد چشمگیری همراه خواهد بود و تحقق عدالت را تقویت می‌بخشد.

۵-۱-۳. حق رسیدگی حضوری و علنی

در صورتی که این معیار از حق رسیدگی حضوری که «به موجب استماع دعوا و تقدیم دفاعیه محقق می‌گردد» (بهادری جهرمی و حسینی، ۱۳۹۳: ۱۷) را صحیح بدانیم، فلذا این اصل با رسیدگی غیرحضوری که خللی در استماع دعوا و تقدیم دفاعیه ایجاد ننماید، تعارضی ندارد. از این رو توسعه فناوری‌های حقوقی جهت برگزاری دادگاه‌های مجازی و از راه دور، که البته شرایط برابر و عادلانه‌ای در استماع دعوا از سوی طرفین و تقدیم دفاعیه ایشان فراهم نماید، مشکلی نخواهد داشت. لکن در خصوص حق رسیدگی علنی اولاً باید دقت کرد که شرایط علنی بودن دادگاه‌ها که به تعبیر بسیاری از حقوق‌دانان دلایل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضانات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد از جمله عوامل تحدیدکننده حق علنی بودن رسیدگی‌هاست (synmondies, 2000: 85)، باید در طراحی فناوری‌هایی که نقش تحقق آن را دارند در نظر گرفته شود تا هدف اصلی محقق گردد. به نظر می‌رسد مطابق سفارش امام علی (علیه السلام) به قاضی شریح مبنی بر اینکه به جهت رعایت شرایط عادلانه‌تر در میان مردم قضاوت کند، علنی بودن به جهت ارزیابی عدالت و

آرای قاضی اهمیت دارد. فلذا حتی آرای آن دسته از رسیدگی‌هایی که بنا به عوامل فوق غیرعلنی برگزار می‌شوند نیز می‌تواند در فرآیندهایی با رعایت عدم افشای اطلاعات حریم خصوصی افراد، در برابر عموم قرار گرفته و حتی با روش‌های جمع‌سپاری تخصصی، ارزیابی نیز گردد. البته این فناوری ارزیاب از فناوری‌های حقوقی تنظیم‌گر به حساب می‌آید و انتشار آرا به عنوان یک اقدام حداقلی در مسیر شفافیت هیچ‌گاه نمی‌تواند جایگزین علنی بودن دادگاه‌ها شود، لکن شاید دلایل حقوقی مانع از علنی بودن تمامی دادگاه‌ها شود؛ اما انتشار تمامی آرای قضایی با رعایت اصول حقوقی امری امکان‌پذیر است که با توجه به اصول حاکم بر آن و ادله فوق، قوه قضائیه ملزم به انجام آن است.

۳-۱-۶. حق تجدیدنظرخواهی

این حق که امکان اصلاح خطای احتمالی قاضی را فراهم می‌سازد، در نظام حقوقی کنونی کشور نقش بسزایی دارد و عمده‌ای از احکام در مرحله تجدیدنظر با احکام دادگاه‌های بدوی اختلاف دارند. با توجه به اهمیت این حق در آیین دادرسی کنونی احتمال اینکه این مرحله از دادرسی در مسیر طراحی فناوری‌های حقوقی مغفول بماند بسیار کم است. لکن باید عوامل مهمی در تجدیدنظر که مقدمه بهره‌گیری از این حق می‌باشند و می‌تواند غفلت از آن‌ها تزییع‌کننده آن باشد را در طراحی فناوری‌های حقوقی در این حوزه مورد توجه قرار داد. مهلت‌های قانونی به‌ویژه رعایت شرایط داخلی یا خارجی اشخاص و همچنین قواعد ابلاغ واقعی و قانونی در بستر فناوری‌های حقوقی از مهم‌ترین این عوامل هستند.

۳-۱-۷. حق رسیدگی در مهلت معقول

با توجه به اینکه جلوگیری از تزییع حقوق اشخاص باید هرچه سریع‌تر صورت پذیرد، فلذا این رسیدگی باید در زمانی معقول انجام پذیرد. برای تحقق این حق می‌بایست به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی به‌ویژه از جنس میز کارهای مدیریت پرونده‌ها موجب افزایش سرعت رسیدگی و کاهش اطاله دادرسی گردد.

تجربه به‌کارگیری فناوری در برخی حوزه‌ها در کشور ما، به دلیل عدم تحول در فرآیندها، نه تنها موجب افزایش سرعت و بازدهی نگردیده که گاه حتی ناکارآمدی بیشتر و کاهش سرعت را به ارمغان آورده است. برای مثال استفاده از اتوماسیون‌های اداری الکترونیکی در دستگاه‌های دولتی با مدیران قدیمی که در استفاده از این اتوماسیون‌ها به دلایل مختلفی از جمله تجربه کاربری^۱ ضعیف با مشکل مواجه‌اند، اغلب باعث افزایش فرآیندهای اداری گردیده است؛ به گونه‌ای که به شهادت نگارندگان،

گاه یک نیروی انسانی مجزا صرفاً جهت مشاهده و بررسی مکاتبات، پرینت و ارائه به مدیر و سپس اسکن رونوشت کتبی و ارسال دوباره از طریق اتوماسیون به ساختار سازمان‌ها افزوده می‌گردد. نمونه دیگری از این مشکلات را می‌توان در برخی الزاماتی یافت که آیین دادرسی برای انجام برخی امور تعیین نموده‌است و واسپاری آن‌ها به فناوری‌های حقوقی را با اختلاف نظرات جدی مواجه ساخته‌است. برای مثال قضات جهت رعایت عدالت در تعیین کارشناس رسمی برای بررسی و کارشناسی موضوع پرونده مکلف به استفاده از قرعه هستند. اخیراً سامانه‌ای جهت انجام این قرعه‌کشی طراحی گردیده که کارشناس مورد نیاز پرونده به طور اتفاقی از میان کارشناسان صلاحیت‌دار انتخاب شود. همین موضوع موجب اختلاف میان قضات و حقوق‌دانان مختلف در تطابق این سامانه با قوانین و مقرراتی که قاضی را مسئول قرعه‌کشی دانسته، شده‌است. اگر در طراحی فناوری‌های حقوقی مورد نیاز در دادرسی قضایی، اصول طراحی خدمات^۱ و محصولات به درستی به کار گرفته نشوند، این مشکل در فرآیند دادرسی نیز تکرار شده و نه تنها فناوری موجب کاهش مدت رسیدگی نمی‌شود، بلکه بر اطالۀ دادرسی نیز می‌افزاید که این مهم به شدت با حق رسیدگی در مهلت معقول در تعارض است.

۲-۳. تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری

دعاوی کیفری به جهت وصف کیفری بودن دارای شرایط خاصی نسبت به دیگر دعاوی هستند. در صورت نیاز به تفسیر قوانین جزایی به جهت سکوت، اجمال، ابهام و یا تعارض قوانین، تفسیر باید محدود به متن قانونی معین باشد و به صورت مضیق باشد، زیرا قاضی در امور کیفری با جان، عرض، شرف و آزادی افراد روبه‌رو است (مؤذن‌زادگان و غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۰). عدم توجه به همه اصول دادرسی عادلانه کیفری در طراحی خدمات در بستر فناوری‌های حقوقی موجب می‌گردد تا اثرات جبران‌ناپذیری بر اشخاص وارد آید. اصول حاکم بر دادرسی عادلانه کیفری که در طراحی فناوری‌های حقوقی حائز اهمیت ویژه‌اند عبارتند از:

۱-۲-۳. اصل برائت

اصل بر بی‌گناهی هر فرد است مگر این‌که مجرمیت وی مطابق قانون در چهارچوب یک دادرسی عادلانه در مرجع صالح اثبات گردد. این اصل قبل از دوران جدید تحت عنوان قاعده «درء الحدود بالشبهات» در نظام حقوقی اسلام ریشه داشته است (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷). اصل ۳۷ قانون اساسی نیز جایگاه اصل برائت در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران را مشخص

می‌نماید. رعایت اصل برائت در طراحی فناوری‌های حقوقی در تمامی مراحل و بخش‌های دادرسی کیفری، امری الزامی است چراکه عدم توجه به آن در هر مرحله، می‌تواند در نتیجه نهایی به شدت اثرگذار باشد. آیین دادرسی کیفری سعی نموده‌است در طراحی فرآیندها و نحوه مواجهه با متهمان در دعوی کیفری اصل برائت را رعایت نماید و عنوان متهم پیش از اثبات جرم، نشان از حاکمیت این اصل در دادرسی کیفری است. مهم‌ترین اثر اصل برائت آن است که متهم به ارائه دلیل بر بی‌گناهی خویش موظف نیست، بلکه مقام تعقیب (دادسرا یا شاکی خصوصی) با تحصیل و ارائه دلیل، به اثبات بزهکاری متهم در مقابل دادگاه مکلف است (اسدی، ۱۳۸۸: ۷۵).

با وجود آنچه که بیان گردید، در به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در مراحل دادرسی کیفری می‌بایست دقت گردد که متهم در جایگاهی پیش از اثبات جرم قرار دارد و عموماً مسئولیتی در قبال رفع اتهامی که هنوز مدارک قانونی برای آن ارائه نگردیده ندارد و البته می‌بایست تمامی شرایط و امکانات دفاع که در قانون برای وی پیش‌بینی شده‌است قابل دسترس باشد. اهمیت دسترسی به سامانه‌های قضایی با IP خارج از کشور و همچنین بدون نیاز به دریافت پیامک صرفاً باسیم‌کارت‌های داخلی، که پیش از این بیان گردید و به ویژه اصول ابلاغ احکام در این مرحله اهمیت بسزایی خواهد داشت. بنا به قواعد تفسیر مضیق در حقوق کیفری نباید فراموش شود که قواعد و معیارهای ابلاغ حکم به گونه‌ای وضع گردد که به لحاظ فنی هیچ گونه تردیدی بر ابلاغ صورت گرفته وارد نباشد، چرا که کوچک‌ترین تردید و احتمال باید به عدم ابلاغ، حکم نماید. این درحالی است که قانون‌گذار براساس ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً ارسال ورقه قضایی و یا حتی تحویل آن به شخص مخاطب را کافی نمی‌داند و از این‌رو مأمور ابلاغ افزون بر وظیفه رساندن و تحویل ورقه موظف شده است در خصوص افراد بی‌سواد، مفاد احضاریه را به مخاطب تفهیم نماید (اسمعیلی و پورقهرمانی، ۱۳۹۸: ۳۹).

لذا با توجه به جایگاه ویژه‌ای که قانون‌گذار برای حصول اطمینان از تحقق ابلاغ در نظر داشته‌است، همچنین اهمیت این موضوع در نتیجه پرونده‌ها علی‌الخصوص پرونده‌های کیفری، باید دقت کافی در طراحی و پیاده‌سازی فناوری‌های مربوط به ابلاغ به کار گرفته شود تا حتی در خصوص کوچک‌ترین احتمال خطا نیز راهکاری اصولی اتخاذ گردد. لکن متأسفانه تبصره ۲ ماده ۱۳ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخبراتی با رویگری موسع موارد موضوع ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی را توسعه داده و خودداری از مراجعه به سامانه ابلاغ را به منزله استتکاف از قبول اوراق قضایی تلقی نموده است. درحالی که اگر مراد مقنن از «خودداری»، عدم مراجعه اشخاص به عللی از جمله عدم دسترسی به امکانات به دلایل مختلف اعم از عدم تمکن مالی و... باشد، می‌بایست این تبصره از آیین‌نامه را یکی از مهم‌ترین موارد در

تضییع حقوق اشخاص دانست.

البته راه‌اندازی سامانه ابلاغ توسط قوه قضائیه یکی از نقاط عطف دادرسی قضایی در کشور به شمار می‌رود. چنانکه پیش از آن چالش‌های متعددی در تضییع حقوق اشخاص هنگام ابلاغ وجود داشت و به علت وجود عوامل انسانی در این فرآیند شاهد عدم تحقق تمامی شرایط قانونی، عدم رعایت حریم خصوصی و حفظ آبروی اشخاص و همچنین تخلفات متعدد مأمور ابلاغ بودیم که با راه‌اندازی ابلاغ الکترونیک برطرف گردیده‌اند. لکن تا وضعیت مطلوب که ناشی از ضعف در طراحی خدمت است، همچنان راه باقیست.

۲-۲-۳. منع بازداشت خودسرانه

از آنجا که بازداشت افراد نقض حق آزادی آن‌ها است، بنابراین باید به موجب قانون و توسط مقام صلاحیت‌دار صورت گیرد (صابر، ۱۳۸۸: ۱۴۹). اصل ۳۲ قانون اساسی نیز بر لزوم قانونی بودن جلب و بازداشت خودسرانه تأکید دارد. رعایت این اصل بدین معناست که تنها مقام صلاحیت‌دار قضایی توان صدور حکم بازداشت افراد را دارد و مرجع انتظامی بدون داشتن حکم بازداشت قانونی امکان بازداشت اشخاص را نخواهد داشت. رعایت این اصل الزام می‌کند که در طراحی فناوری‌های حقوقی این مرحله از دادرسی قضایی، اولاً در تعیین سطوح دسترسی اشخاص مختلف جهت اتخاذ تصمیم در سامانه‌ها دقت گردد و تغییر آن به آسانی و بدون رعایت شرایط قانونی امکان‌پذیر نباشد و ثانیاً امکان استعلام صحت و ارزیابی اینکه آیا مرجع انتظامی مجوز قانونی معتبر برای بازداشت شخص را داراست یا نه، توسط اشخاص موضوع حکم وجود داشته باشد.

عدم رعایت این اصل در طراحی فناوری‌های حقوقی مرتبط با این مرحله از دادرسی، موجب ایجاد شرایطی جهت تخطی مراجع انتظامی از قانون گردیده و تضییع حقوق متهمین را بیش از پیش فراهم می‌سازد. درحالی‌که توجه به آن، امکان بروز این تخلف را از مراجع انتظامی در بسیاری موقعیت‌ها سلب نموده و حتی رصد تخلفات ایشان در این زمینه را نیز فراهم می‌سازد.

۳-۲-۳. حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع

حق دفاع متهم عبارت است از مجموع تضمینات قانونی و قضایی در سطوح مختلف برای مظنونین به ارتکاب بزه که در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضایی، منظور گردیده است (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۰). حق دفاع این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که بتواند پیش از محکوم شدن از خود دفاع کند. حتی در صورتی که متهم به زبانی که در دادگاه تکلم می‌شود آشنا نیست می‌تواند از خدمات رایگان مترجم استفاده نماید و تمام اوراق و مدارک مضبوط در پرونده به طور کامل ترجمه شود (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۹). برخی معتقدند که چون سیستم

عدالت مدنی به سان نظام بهداشت یا آموزش، جزء خدمات عمومی محسوب می‌شود؛ بنابراین ماهیت عمومی بودن سیستم حل اختلاف، انتظار یارانه محور بودن دادگاه‌ها را نیز به دنبال دارد (حییبی درگاهی، ۱۳۹۹: ۵۶). این نگاه را می‌توان به‌گونه‌ای مؤید وجود این حق دانست.

ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز این حق را به رسمیت شناخته و ضمانت اجرای آن را بی‌اعتباری تحقیقات قرار داده است. فلذا فناوری‌های حقوقی دادرسی قضایی باید به گونه‌ای طراحی شوند که اولاً امکان اخذ وکیل و یا مترجم و... را برای دفاع متهم سلب ننماید و ثانیاً مانعی در دفاع وکیل یا متهم وجود نداشته باشد. برای مثال مطابق بند ۶ تبصره ۶ قانون بودجه سال ۱۳۹۹، سامانه ثبت قرارداد الکترونیک وکالت راه‌اندازی گردیده است؛ در این سامانه موکل تنها در صورتی می‌تواند وکیل تعیین نماید که اولاً شناسه ثنا داشته باشد و ثانیاً برای هر سری ورود به حساب کاربری خود در سامانه، می‌بایست از طریق کلمه عبوری که به تلفن همراه وی ارسال می‌شود احراز هویت صورت پذیرد. باتوجه به اینکه دریافت و استفاده از شناسه ثنا صرفاً برای افرادی که تلفن همراه داشته و در کشور باشند امکان پذیر است، فلذا این اصل برای اشخاصی که به تلفن همراه دسترسی ندارند (چه دسترسی دائم و چه دسترسی موقت که موجب انقضای مهلت دفاع وی گردد) ناقض حق دفاع متهم بوده و موجب عدم اعتبار تحقیقات قضایی خواهد بود.

از طرفی، باتوجه به اینکه بخش زیادی از مردم در حال حاضر از سیم‌کارت‌های اعتباری استفاده می‌نمایند، احراز هویت ایشان نیز از همین طریق صورت پذیرفته و ورود به سامانه‌های قضایی از طریق کد ارسالی به همین خطوط است. این درحالیست که هیچ کدام از این افراد صاحب سیم‌کارت خود نبوده و صرفاً امتیاز آن در اختیار ایشان است و در شرایطی، که پیچیدگی چندانی هم ندارد، از آن‌ها سلب امتیاز می‌گردد و امتیاز آن مجدداً در اختیار شخص جدیدی قرار می‌گیرد. فلذا دسترسی به تمامی اطلاعات اشخاص و همچنین امکان تعیین وکیل برای اشخاص توسط فردی دیگر که قانوناً صاحب امتیاز جدید سیم‌کارت خواهد بود، فراهم می‌شود.

نتیجه

اهمیت ویژه دادرسی قضایی و تأثیر آن بر اشخاص و مردم بر کسی پوشیده نیست. همین امر موجب می‌گردد تا کوچک‌ترین تغییر و یا اصلاحی در آن نیازمند بررسی‌های دقیق و کارشناسانه باشد. اندیشمندان حقوق در داخل و خارج کشور با بررسی تجارب بشری و همچنین توجه به مبانی و اصول نظام حقوقی، به اصولی دست یافته‌اند که توجه به آن‌ها، تحقق دادرسی عادلانه را بیش از پیش فراهم می‌نماید. طراحی و به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی نیز به سبب آنکه نیازمند اصلاح فرآیندها و رویه‌های کنونی ولو در حد تغییر ابزار انجام بخشی از دادرسی باشد، می‌بایست با دقت

کارشناسی بالایی صورت پذیرد تا از تضييع حقوق قانونی اشخاص جلوگیری شود. در این مقاله با بررسی اصول دادرسی عادلانه اهم، الزامات ناظر بر طراحی و به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در دادرسی قضایی شناسایی و در دو دسته مقدمات دادرسی قضایی با فناوری‌های حقوقی و دسته دوم تحت عنوان الزامات دادرسی قضایی که نیازمند فناوری است، استخراج گردیدند:

دسته اول الزاماتی که استفاده از فناوری حقوقی در دادرسی قضایی بدون رعایت آن‌ها، تضييع حقوق اشخاص خواهد بود را شامل می‌شود که عبارتند از:

دسترسى اشخاص بدون محدودیت مکانی و زمانی، همان گونه که پیش از این شرح آن ارائه گردید، دسترسى به برخی سامانه‌ها و ابزارهای دادرسی قضایی در حال حاضر برای افرادی که به ابزارهایی مثل تلفن همراه و اینترنت دسترسى ندارند، امکان‌پذیر نیست. البته قوه قضائیه دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در سطح کشور و احراز هویت الکترونیک را با این هدف راه‌اندازی نموده است، که موجب تسهیل این امر می‌گردند. لکن در مراجع شبه‌قضایی همچنان این مشکلات وجود دارد و به نظر می‌رسد ایشان نیز می‌بایست به تحولات موجود در قوه قضائیه بپیوندند. با جمیع نکات فوق، دولت (به معنای عام آن) موظف است به موازات استفاده از فناوری‌های حقوقی در دادرسی قضایی، شرایطی برای اشخاص و دسترسى آن‌ها به این فناوری‌ها فراهم نماید.

رایگان و برابر بودن دسترسى، برخی امور از جمله ایجاد حساب کاربری در سامانه ثنا و احراز هویت اشخاص از وظایف دولت در ارائه دسترسى به فناوری‌های حقوقی برای دادرسی قضایی است. دولت اجازه ندارد به‌ازای ارائه این خدمات از مردم هزینه‌ای دریافت نماید، به‌ویژه در مواردی که مجوز قانونی لازم نیز برای آن وجود ندارد. لکن در حال حاضر انجام این امور که از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی صورت می‌پذیرد، با پرداخت وجوهی از سمت اشخاص انجام می‌شود که این امر خلاف اصول دادرسی عادلانه است. از طرف دیگر، دسترسى به سامانه‌ها و فناوری‌های حقوقی نیازمند تهیه ابزارها و زیرساخت‌هایی نظیر رایانه، تلفن همراه و اینترنت است که دسترسى به آن‌ها مستلزم پرداخت هزینه از سوی اشخاص می‌باشد. از طرفی این دسترسى‌ها گاه برای برخی ساده‌تر از دیگران تهیه گردیده است. مانند دعاوی که دولت طرف دیگر دعوا قرار دارد. توسعه و تسهیل متوازن این دسترسى‌ها برای طرفین دعوا نیز می‌بایست حتماً رعایت گردد تا طرفین دعوا دسترسى برابر داشته باشند. از سوی دیگر، متهمین که در جایگاه خاصی به نسبت دیگر اشخاص قرار دارند می‌بایست به ابزارها و سامانه‌های مورد نیاز جهت دفاع و بهره‌گیری از حقوق مربوط به آن مانند اخذ وکیل دسترسى داشته باشند، و تحقیقات انجام شده بدون رعایت این شرط، معتبر نخواهد بود.

اصلاح فرآیندها مبتنی بر فناوری‌های به‌کارگیری‌شده، استفاده از فناوری‌های مبتنی بر فرآیندها و روش‌های غیرفناورانه سابق، امری است که موجب اثر عکس در استفاده از فناوری‌ها خواهد شد. جهت جلوگیری از این امر می‌بایست هنگام به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در دادرسی‌های قضایی، فرآیندها و روش‌های دادرسی نیز مبتنی بر ابزارها و سامانه‌های طراحی‌شده اصلاح گردند و بر اساس اصول و موازین حاکم بر آن و همچنین ویژگی‌های کاربران آن بازطراحی گردند. مانند قواعد و اصول ابلاغ واقعی و قانونی و معیارهای تشخیص آن و همچنین روش‌ها و فرآیندهای ارتباطی و مستندسازی در دادرسی که پیش از این بدون توجه به ابزارها و سامانه‌ها بر دادرسی قضایی حاکم بودند و البته توانمندی قضات و کارمندان درگیر با فرآیند دادرسی در استفاده از ابزارها و سامانه‌های فناوری‌های حقوقی مورد استفاده. در صورتی که این اصلاح صورت نپذیرد، نه تنها به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی موجب رشد و تقویت دادرسی نمی‌گردد، بلکه مشکلات مضاعفی از جمله تضییع حقوق افراد و اطاله دادرسی را به همراه خواهد داشت.

دقت در تعیین سطوح دسترسی بنا به اختیارات، یکی از مهم‌ترین اصول در طراحی فناوری‌های حقوقی دقت در تعیین سطوح دسترسی اشخاص و مسئولان بنا به اختیارات قانونی ایشان است که مبدا وجود دسترسی به تصمیم‌گیری در خصوص امری برای مسئولی که اختیار قانونی آن تصمیم‌گیری را ندارد، موجب بروز مشکلات بعدی و اقدامات خلاف قانون نهادهای انتظامی و دادرسی گردد. برای مثال به جز مقام صلاحیت‌دار قضایی که شخص آن می‌بایست مشخص باشد، هیچ مسئول دیگری مجوز صدور حکم بازداشت اشخاص را نباید داشته باشد و دسترسی به آن نیز به‌راحتی نباید امکان‌پذیر باشد.

در دسته دوم، الزاماتی که در دادرسی قضایی با استفاده از فناوری‌ها امکان‌پذیر می‌گردد و تا پیش از این امکان تحقق آن‌ها به درستی وجود نداشته‌است را شامل می‌شود که عبارتند از: ارائه و انتشار آراء و احکام، یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه، علنی بودن جلسات دادگاه بود که به جهت رعایت حریم خصوصی و برخی اصول دیگر، مجوز برگزاری غیرعلنی جلسات به قضات داده شده‌است. از طرفی با توجه به اینکه یکی از اهداف کلیدی در برگزاری دادگاه‌های علنی امکان ارزیابی و نظارت عمومی بر عملکرد قضات است، با وجود فناوری‌های حقوقی و ابزارهایی که برای به‌کارگیری آن‌ها وجود دارد، می‌توان آراء و احکام صادره و استنادات قانونی به‌کاررفته در آن‌ها و همچنین مشروح جلسات دادرسی را با رعایت شرایطی از قبیل حریم خصوصی و... به صورت شفاف منتشر نمود. فلذا حال که امکان انجام این امر فراهم است، متولیان امر دادرسی موظف به رعایت این اصل از اصول دادرسی عادلانه با به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی می‌باشند. در خصوص

جلسات علنی که قضات تصمیمی بر ممنوعیت آن ندارند نیز می‌توانند در بستر فناوری‌های مربوطه به‌طور علنی برگزار گردند.

غیرقابل پیش‌بینی بودن الگوهای عملکردی، غیرقابل پیش‌بینی بودن دادرس و عدم امکان ارتباط با وی خارج از فرآیندهای دادرسی و همچنین اموری مانند انتخاب اتفاقی کارشناس صلاحیت‌دار توسط قاضی اموری‌اند که تحقق عدالت در دادرسی قضایی را تقویت می‌نمایند. تاکنون قوانین و آیین‌های دادرسی به شدت در این مسیر تلاش نموده‌اند لکن امروزه وجود فناوری‌هایی که می‌توانند واسط انجام این امور شوند، دادرس قضایی را ملزم به استفاده از آن‌ها می‌نماید، چراکه بی‌طرفی و دقت به ویژه در اموری که بدون کمک انسان نیز محقق می‌گردد را فراهم می‌نمایند.

امکان استعلام صلاحیت اشخاص و اسناد، تاکنون قوانین متعددی بر معتبر بودن رفتارهایی که صرفاً توسط مقام صلاحیت‌دار انجام یا دستور آن صادر می‌گردد تأکید کرده‌اند، لکن تشخیص صحت این تصمیمات و اطلاع از سطح صلاحیت مسئول مربوطه برای اشخاص در لحظه، امری دشوار بوده که با راهکارهای مختلفی سعی در تسهیل آن نموده‌اند. حال که امکان استفاده از فناوری‌های حقوقی و ابزارهای آن فراهم است، مقامات قضایی موظفند که امکان تشخیص و استعلام صلاحیت این اشخاص و اسناد را برای عموم مردم فراهم نمایند.

باتوجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش و نظر به پاسخی که برای پرسش محوری پژوهش ارائه گردید، پیشنهادات زیر جهت به‌کارگیری بهتر و دقیق‌تر فناوری‌های حقوقی در دادرسی‌های قضایی ارائه می‌گردد:

۱. توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های حقوقی در دادرسی قضایی نیازمند بازخوانی دوباره قوانین و مقررات این حوزه با در نظر گرفتن وجود ابزارهای فناورانه و امکان استفاده از آن‌ها در شرایط کنونی و عدم وجود آن‌ها در زمان وضع قوانین است. البته باید دقت شود که این بازخوانی باید با توجه ویژه نسبت به حکمت وضع آن قانون صورت پذیرد که نتیجه آن تصمیم‌گیری در خصوص عدم استفاده از فناوری‌های حقوقی در برخی موارد تا پیش از اصلاح قانون و استفاده یا حتی جایگزین نمودن این فناوری‌ها در برخی موارد بدون نیاز به اصلاح قانون است. فلذا مادامی که استفاده از فناوری حقوقی و یا جایگزینی آن با حکمت مقنن در وضع قوانین تعارضی نداشته باشد، عدم مطابقت صریح با ظاهر آن خللی ایجاد نمی‌نماید. برای مثال استفاده قضات از سامانه قرعه‌کشی برای انتخاب کارشناس رسیدگی‌کننده به پرونده، تعارضی با متن قانون که از قاضی خواسته است کارشناس را با قرعه‌کشی انتخاب نماید ندارد، لکن واگذاری امر قضاوت و صدور حکم به هوش مصنوعی با قوانینی که قاضی را مسئول صدور حکم می‌دانند در تعارض است، فلذا در چنین مواردی به هیچ

عنوان بازخوانی متفاوت کافی نیست.

۲. دولت می‌بایست پیش از طراحی هر فناوری حقوقی جهت به‌کارگیری در دادرسی‌های قضایی و شبه‌قضایی، ابتدا آن را با معیارهای دادرسی عادلانه که در طول این نوشته بدان‌ها پرداخته شد ارزیابی نماید و از وجود هرگونه تعارض در طراحی صورت گرفته و اصول فوق‌پرهیز کند. از طرفی، رعایت موارد مذکور در نتیجه‌گیری نیز جزو الزاماتی است که عدم رعایت هرکدام، تضییع حقوق عامه است.
۳. قوای قضائیه و مجریه می‌بایست با در نظر گرفتن تمامی خدمات دولت الکترونیک، قواعد و اصول احراز هویت با روش‌های مختلف از جمله بیومتریک را به‌گونه‌ای تعیین نمایند که مردم بدون نیاز به دراختیار داشتن ابزاری بتوانند از آن استفاده نمایند. جهت تسهیل در امور مردم و دولت، این احراز هویت باید یک بار و به صورت مشترک انجام پذیرد که اشخاص بتوانند از آن در تمامی امور خود برای دولت الکترونیک بهره‌مند گردند.
۴. قوه قضائیه در مراجع قضایی و قوه مجریه در مراجع شبه‌قضایی می‌بایست تمامی فرآیندها و الگوهای تصمیم‌سازی در دادرسی قضایی را با توجه به وجود ابزارها و زیرساخت‌های فناورانه با رعایت دقت در سطوح دسترسی و غیرقابل پیش‌بینی بودن برخی اقدامات که موجبات فساد را فراهم می‌سازد بازطراحی نموده و وضعیت مطلوب از فرآیندهای دادرسی را ترسیم نمایند. سپس با در نظر گرفتن وضعیت کنونی از جمله سطح دانش و توانمندی و دسترسی کارمندان و عموم مردم در استفاده از این ابزارها، جهت رسیدن به وضعیت مطلوب برنامه‌ریزی نمایند.
۵. سامانه‌های الکترونیکی دادرسی قضایی با اتکا بر قواعد احراز هویت و همچنین فرآیندهای بازطراحی شده در دادرسی و با رعایت اصول طراحی محصول و تجربه کاربری مناسب عموم کاربران، با امنیت مورد نیاز و امکان استفاده بدون محدودیت جغرافیایی و زمانی، تولید و طراحی گردد.
۶. با توجه به عدم دسترسی همه مردم به ابزارهای مختلف جهت استفاده از خدمات بر بستر اینترنت، می‌بایست دستگاه‌های ارائه‌دهنده این خدمات با ویژگی‌ها و شرایط مورد نیاز جهت ارائه خدمات دولت الکترونیک مانند دستگاه‌های خودپرداز بانکی در سطح کشور طراحی و تعبیه گردیده که ضمن احراز هویت با شرایط بیان شده، به خدمات اصلی و کلیدی، در هر ساعتی از شبانه‌روز و به تناسب جمعیت در مکان‌های مختلف، دسترسی ایجاد نماید.
۷. مراجع قضایی و شبه‌قضایی موظفند بانک‌های داده قضایی متشکل از آرا و احکام با مستندات و ادله به‌کار برده شده و همچنین صلاحیت‌ها و وظایف و اختیارات قانونی مسئولیت‌ها و اشخاص را با قابلیت استعلام لحظه‌ای و قابل دسترس عموم، ارائه نموده و همچنین امکان اطلاع اشخاص از شرایط قانونی جلب، بازداشت یا ... ایشان را فراهم نمایند.

منابع

فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)، مجموعه مقالات عدالت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش.
- اسدی، داوود (۱۳۸۸)، «اصول حاکم بر عدالت کیفری در حقوق موضوعه ایران»، فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۴.
- اسمعیلی، اکبر و بابک پورقهرمانی (۱۳۹۸)، «چالش‌های فراوری دادرسی الکترونیک در ایران»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۷.
- امامی، محمد و سید نصرالله موسوی (۱۳۸۳)، «مبانی نظری مراجع شبه قضائی و جایگاه آن‌ها در حقوق ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۱، شماره ۴۱.
- امیری، علی، جواد طهماسبی و بتول پاکزاد (۱۴۰۰)، «کاربرد مدیریت ارجاع در تضمین دادرسی بی‌طرفانه کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- باربریس، ژانوس، داگلاس دبلیو آزنر و راس‌پی باکلی (۱۳۹۹)، کتاب رگ‌تک: مرجع سرمایه‌گذاران، کارآفرینان و رویاپردازان در زمینه رگ‌تک، علیرضا کاظمی‌نیا، شماره شبل‌الحکما و محمد رهبان، تهران: انتشارات راه پرداخت.
- بهادری جهرمی، علی و سیده لطیفه حسینی (۱۳۹۳)، «اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال سوم، شماره ۷.
- حبیبی درگاهی، بهنام (۱۳۹۹)، «مفهوم اصل دسترسی ارزان به دادگستری و جلوه‌های آن»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۰۹.
- رستگار، عصمت (۱۳۹۹)، «چالش‌های حقوق شهروندی در دادرسی الکترونیک با نگاهی به جایگاه آن در فقه شیعه»، مطالعات تطبیقی حقوق شهروندی، دوره یکم، شماره ۱.
- رستمی، ولی و مسلم آقایی طوق و حسن لطفی (۱۳۸۸)، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: گرایش.
- سرخوش منجق‌تپه، بهنام و هما داودی‌گرمارودی (۱۳۹۸)، «بررسی فقهی تشکیل جلسه‌ی دادرسی به شیوه‌ی الکترونیکی»، تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۳.
- شواب، کلوس (۱۳۹۶)، انقلاب صنعتی چهارم، ایرج نبی‌پور، بوشهر: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
- صابر، محمود (۱۳۸۸)، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، پیاپی ۶۳، شماره ۱۳.
- عالی‌پناه، علیرضا و عزیزاله فضل‌ی (۱۳۹۱)، «چیستی حقوق و چگونگی ارتباط آن با فرهنگ»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۳۵.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، تهران: نشر دادگستر.
- مرادی، قاسم (۱۳۹۷)، «اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه»، جستارهای حقوق عمومی، سال ۲، شماره

.۴

- مؤذّنزادگان، حسن‌علی و حسن غلامعلی‌زاده (۱۳۸۸)، «بررسی تحلیلی جایگاه تفسیر شک به نفع متهم در حقوق کیفری»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۰.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.

انگلیسی

- Bues M-M, Matthaei E (2017), **LegalTech on the rise: technology changes legal work behaviors, but does not replace its profession**. Jacob K, Schindler D, Strathausen R (eds) **Liquid legal: transforming legal into a business savvy, information enabled and performance driven industry**. Cham: Springer.
- Corrales, Marcelo; Fenwick, Mark; Haapio, Helena (2019), **Legal Tech, Smart Contracts and Blockchain**. Singapore: Springer.
- Chishti, Susanne; Bhatti, Sophia Adams; Dato, Akber; Indjic, Drago (2020), **The legaltech book. The legal technology handbook for investors, entrepreneurs and fintech visionaries**, edited by Sophia Adams Bhatti, Akber Dato, Drago Indjic; edited-in-chief, Susanne Chishti. 1st, New Jersey: Hoboken.
- Frankenfield, Jake, **What You Should Know About RegTech**, Investopedia, 27/10/2016, Available at:
- <https://www.investopedia.com/terms/r/regtech.asp>, (checked on 9/8/2020).
- Pasquale, Frank (2019), "DATA-INFORMED DUTIES IN AI DEVELOPMENT", **Columbia Law Review**, 119 (7).
- Reiling, Dory (2009), **Technology for justice. How information technology can support judicial reform**, AmsterdamL Leiden University Press.
- Synmonides, Janusz (2000), **Human Rights: Concept and Standards**, UNESCO.